



۲۰۱۷/۰۳/۲۵



مصطفی عمرزی

نیرنگ نو نباشد؟

عکس العمل تیم عبدالله در برابر موضع جدید عطا محمد نور، والی بلخ، ظاهر بسیار آرام داشت. سخنگوی عبدالله، موفقیت عطا را می خواهد و برخلاف آنچه از سنت ستیز اینان برای تقابل می دانستیم، رفتار والی بلخ، شبیه حرکات مدنی - اخلاقی ای می شود که مجریان فاسد جمعیت و شورای نظار، در بازیگری های فلمی آن، ثابت کرده اند خیلی راحت تکنوکراتان با تربیه و بی جرأت را فریب می دهند.



چنان چه قبلاً در تحلیل ورود گلب الدین حکمتیار، تحلیل های داخلی و خارجی را مبنی بر حذف سهم پنجاه درصدی گروهک شر و فساد خوانده بودیم، راه حل جدید بخش مهمی از تیم عبدالله که تجرید را تاکنون به خوبی تمثیل کرده اند، به این اندیشه کمک می کند که این جریان آلوده تاریخی برای حفظ آن چه با مصیبت حکومت وحدت ملی، در مغز استخوان دولت آمد، به راحتی از آن چه به دست آورده اند، دست نمی کشند. در وجود بحران متداوم، پذیرفتن این نکته، بسیار مهم است که افغانستان، هر چند در منگنه گروهک ها و افراد «دوسیه دار» می ماند، اما سایه سر حاکمیت (جامعه بین المللی) اندیشه دارد که اگر ساختار نظام قانون مند و ساحة عمل آن از اهل کار، بی بهره بماند، تأمین

مصارف بیشتر در منظری که آینده ندارد، زیان های جدی ای ایجاد می کند که بدون شک در بازتاب (۱) داخلی کشورهای کمک دهنده، مردم را برای عدم رأی اعتماد بر افغانستان خواهد کشاند. بر اثر ملاحظه جامعه جهانی، عیار شدن گروهک های فاجعه حاکمیت ملا ربانی در ظاهر اعضای جامعه مدنی و فعالان ضد دهشت و افراتیت، بازی های جناح های مختلف تنظیم های درگیر با استفاده از مزایای گونه گونی که نمای (۲) [منظر] بزرگ تقلبی آن ها، به آسانی کرزی و تیم غنی را آشفته می کند، فشار می آورد تا نه فقط آن چه زیاده به دست آورده اند حفظ شود، بل بر اثر دامن زدن به درگیری های حزبی، قومی و داعیه دفاع از خواسته های مردم، در جایی بایستد که حالا تعبیر متفاوتی از کسانی می دهد که فقط بخشی از بازیگران جنگ های داخلی بودند و تصادم جامعه جهانی و طالبان، برای

۱- بازتاب به معنی [انعکاس] است که در فارسی ایران زیاد استعمال می شود. الحق کلمه زیباست که ما در زبان دری هم می توانیم از آن استفاده نماییم. «نوری: ناشر»

۲- اصطلاح [نما] در این سال های اخیر با هجوم فرهنگی ایران بر افغانستان در کشور ما استعمال زیاد پیدا کرده است. معانی مختلف دارد: ظاهر چیزی: ۱- (منظر)، ۲- (منظره)، ۳- (شکل)، ۴- (نمایش) و غیره. «نوری: ناشر»



آنان فرصت ساخت تا مثلانی شوند که اگر «انسان به لباس شناخته نمی شود»، باید به آنان تبریک گفت که تکنوکراتان تحصیل کرده را فریفته و اما در منظر مردم، اجناس تقلبی جنگ سرد، نیازی به ظاهر سازی ندارند.

جنبش روشنایی را به یاد داریم. اعتراضات مدنی شماری از جوانان تحصیل کرده، به زودی طمعه اعضای حزب وحدت می شود و با تغییر مسیر آن در سیاست های آلوده، می خواستند با بُرش دیگر، سهمیه های زیادتیر قومی در قدرت را به دست آورند. تغییر مسیر آن جریان در منجلا ب گروهک فاسد حزب وحدت، جنبش روشنایی را در مواجهه با دشمنان منافع ایران قرار می دهد و از تصادم این تضاد، حادثه ای رونما شد که غم انگیز بود.

موضع جدید عطا محمد نور، شباهت های عجیبی به بُرشی دارد که هر چند همانند جنبش روشنایی، وصله ای از یک جریان مدنی به حزبی نیست، اما تغییر قیافه ها، یکی در جلد خوش پوش و شیک پوش و دیگری در جلد به اصطلاح پاچای بلخ، به نیرنگ نوی می ماند که در آرامی های ژست مدنی عبدالله خیل ها، والی بلخ را جلو انداخته اند تا با حفظ آن چه به عبدالله در سهم ۵۰ درصد رسیده است، عطا محمد با سرسیری لقمه پنج سیری دیگری به نام واحد مستقل، بر حاکمیتی نازل شود که اگر ناراحتی های سایر موتلفان غنی مانند جنرال دوستم را محاسبه نکنیم، آزردگی های شدید جامعه پشتون های افغانستان که همچنان شاهد ضیاع سهم خویش از کیسه خلیفه اند و هنوز به واقعیت آنان پی نبرده، منظر سپاهی لشکر های می یابند که باید در بحران ها، انتخابات و بی عزتی های راس حکومت، به کار آیند و اما زمانی که دفتر حقوق شان باز می شود، بی هیچ بازخواستی، نان دسترخوان شان در جایی دیگری تقسیم می شود که گویا وحدت ملی، شراکت قومی و سهمیه بندی های اقلیتی ایجاب می کند تا زمانی که چند خارج رفته بی خیال بفهمد، هزینه های ترک اعتیاد و فقر دیگران از کیسه خالی قوم ما، منظور شده اند.

در حالی که سنگینی تیم بی کفایت و مفتخوار عبدالله بر دوش مردم و سرمایه های دولتی، سایه انداخته است، حضور عطا محمد نور برای برپایی دیوان عدالتی که ظاهراً برای چند شر و فساد تعهد داده بودند، به معنی وقایه آن موتلفان داخلی ست که با انحصار حاکمیت، مملکت را در پرتگاه سقوط کشانیده و نمی خواهند بفهمند چور و چپاول سرمایه های ملی با غصب کرسی های دولتی در حد مردمان چند منطقه، گروه و چند اقلیت، به نفرت عمومی مردم دامن زده است و از این حیث، اگر بی انصافی محض با کل ملت است، سودجویان را در مواجهه با کسانی قرار می دهد که به نام های طالب، پشتون، حزبی اسلامی و یا فعالان غیر خود، تعریف کرده اند و در کشوری که هفته ای بدون کمک خارجی، طول عمر حاکمیت اش زیاد نمی شود، پس از ۱۳ سال امتیازات میلیون دلاری، اجازه نمی دهند جای پای کسانی باز شود که بی طرف و اهل کار اند.

من فکر می‌کنم موضع جدید عطا محمد نور، ترفند نوی ست که با ورود انجنیر حکمتیار، تیم شر و فساد را به فکر انداخته است با اختیار واحد های چند گونه، اما متعهد به سقوی گری، دولت غنی را محاصره کنند و در این هاله، با تشدید بحران افغانستان از لحاظ حفظ منافع ستمی و گروهی، کشور را در وضعی نگه دارند تا در مقال ستیز داخلی، سهم مردمانی طویل شود که اوضاع افغانستان را در کارنامه های ننگین حزبی و قومی خویش تحلیل می‌کنند.

رویداد حمله انتحاری به ریاست محافظت از رجال برجسته امنیت ملی را به یاد دارید؟ اکثریت کشته گان آن رویداد، جوانان پنجشیری بودند. در حالی که آن قربانی ها را در هر دو سوی نظامیان دولت و مخالفان دولتی، ضیاع منابع بشری خویش می‌دانم، این حقیقت نمی‌تواند کتمان شود که در اداره ای که انتساب ملی دارد و باید نمایانگر حضور تمام اقوام باشد، وقتی حادثه ای منجر به تلفات می‌شود، چرا فقط مردمان یک قوم و یک منطقه کشته می‌شوند؟ تحلیل جریان های مخالفان طالبان، در تفسیر های بی‌شرمانه، ظاهراً بعد قومی یافت که چون پنجشیری بودند، اهداف حمله مشخص است، اما بعد دیگر قضیه نشان می‌دهد انحصارات بی‌شرمانه، می‌توانند میزان زیان ها را به همان اندازه ای بلند ببرند که از سود انحصارات بی‌حد و اندازه، هنوز هم رهروان ستمی- سقوی را به عقل نیاورده است که نیرنگ و چل برای حفظ منافع شخصی بجا ندارد و از تصادم واقعیت های متضاد، انحصار گروهک ها در واقعیت های افغانستان، پیامد های دیگری می‌یابد که برای جبران مافات، حتی وابسته به لحظه ها و ثانیه هاست.

هرچند پیش داور، در جامعه ای که ثبات سیاسی ندارد، شاید دقیق نباشد، اما پذیرش واقعیت هایی که از کردار غلط زاده می‌شوند، ثابت می‌کند نیرنگ های سیاسی متمایل به انحرافات فکری، به زودی به رسوایی می‌کشند.

خلاصه، ترفند ها و نیرنگ های سیاسی برای انحصار و سهامداری بیشتر، چنان چه مثال زدم، زیان های ناشی از مواجهه را سنگین می‌کنند. ما تجربه کرده ایم تا زمان قانون مندی، هیچ گشایشی که طولانی و با آینده وصل شود، حاصل نخواهد شد. گروهک های امتیاز طلب و انحصارگرا، باید بدانند بحرانی ساختن جامعه از منظر حضور بی‌رویه و غیر عادلانه در نظامی که بیش از ده سال، مشروط به حضور نظامی خارجی شده است، در زمان پایان فعالیت های نظامی جامعه جهانی، مبدل به فاجعه ای می‌شود که هنوز لقمه های گیرمانده در حلقوم ها، پایین نرفته، از دهن و دماغ انحصارطلبان بیرون خواهند شد. از میلیارد های دالری که ضایع شده است، کسانی به نان و نوا می‌رسند که هرگز حق شان نبود، اما اگر خوردند، حداقل از راه دوران سرمایه های بی‌اندازه، جریان تجاری و اقتصادی را رونق دهند تا روزی از اجتماع مردم این کشور، مدافعی یافت شود که خبر، اگر فربه شدند، چیزی به مردم نیز رسیده است.

سیستم دولتی با تداوم حضور گروهک ها و افرادی که بزرگ ترین ضعف حیات شان، بی‌سوادی و کم‌دانشی است، ظاهر مسخره حاکمیتی را که شبیه به سرکس شده است، در چنین حالی حفظ می‌کند.

پایان